

امر به معروف و نهی از منکر

وقتی که مردان برجسته دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود



وقتی که مردان برجسته دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود .

از پیام‌های سالار شهیدان در نهضت عاشورا نشر امر به معروف و نهی از منکر و احیای این عزم ملی بود.

معروف یعنی چیزی که عقل و نقل (قرآن و روایات) او را به رسمیت می‌شناسند؛ خلاف منکر که پیش عقل و نقل، نکره و ناشناس است و او را به رسمیت نمی‌شناسند.

امر به معروف و نهی از منکر از وظایف اختصاصی حوزه‌های علمیه نیست؛ چون کار اختصاصی آنها تعلیم و تزکیه است. همچنین از اختیارات دانشگاه‌ها نیست؛ زیرا کار ویژه آنها دانشوری و نشر اندیشه و دانش است. نیز در قلمرو آموزش و پرورش نیست؛ چون کار مخصوص آنها پرورش و تربیت نوسالان و جوانان است. امر به معروف و نهی از منکر، امری ملی، مصمم و جزمی است که با عزم همه مردم همراه است.

امر به معروف، از جایگاه قدرت سخن گفتن است، نه سخنرانی و موعظه و اندرز یا مقالات نوشتن که این امور آسان و فراوان است. امر به معروف، صدور و دستور و جلوگیری عملی از ناروایی‌ها و زشتی‌هاست.

همه مردم، اعم از حوزویان و دانشگاهیان، مسئولان آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و آحاد مردم موظفند که از جایگاه قدرت جلوی زشتی‌ها را بگیرند؛ لیکن آن بخش‌های حساس اجرای این فرمان الهی مانند ضرب‌وجرح، به دست هیات حاکمه است و بخش‌های اعتراض‌آمیز آمرانه آن به‌عهده عزم ملی است.

حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) فرمودند: هیچ‌کس نباید در جامعه اسلامی از خود سلب مسئولیت کند و بگوید: به من چه! یا دیگری را مسئول نداند و به او بگوید: به تو ربطی ندارد و با مال خودم گناه می‌کنم و بزه و تباهی مربوط به‌خودم است. آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) فرمودند: مسئولیت عمومی برای آن است که انسان دارای حیثیت جمعی است. اثبات وجود برای جامعه کار آسانی نیست؛ اما حیثیت جمعی را برای هر فرد می‌توان تثبیت کرد. انسان، هم حیثیت فردی و هم حیثیت اجتماعی دارد و چون حیثیت جمعی دارد، به دیگران وابسته است.

آنگاه رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) از باب تشبیه معقول به محسوس، جریان فرمان‌دهی امر به معروف و نهی از منکر را چنین تبیین کردند: افراد جامعه مانند سرنشینان یک کشتی‌اند که با آب و خطر مرگ و غرق‌شدن روبه‌رو هستند. اگر یکی از مسافران این کشتی به همراه خود تیشه یا اره‌ای ببرد و بر اثر غفلت با آن تیشه زیر صندلی خود را سوراخ کند و در برابر اعتراض دیگران به وی که چه می‌کنی، بگوید: زیر صندلی خود را سوراخ می‌کنم و به شما ارتباطی ندارد و افراد ساده‌لوح هم کاری به او نداشته، بگویند: زیر صندلی خود را با تیشه خود سوراخ می‌کند و کاری با ما ندارد و او را رها کردند، زیر صندلی او شکاف برمی‌دارد و از شکاف آن، آب دریا وارد کشتی می‌شود و تعادل آن را به هم می‌زند؛ آنگاه کشتی به همراه همه مسافران خود به کام دریا فرو خواهد رفت و همگان می‌میرند.

اما اگر به او بگویند: اگر می‌خواهی زیر صندلی خود را سوراخ کنی، برو در جایی زندگی کن که در آنجا تنها باشی و تنها زندگی کنی؛ کره‌زمین زندگی‌اش جمعی است؛ چون اگر چنین کاری کردی آب دریا به درون کشتی می‌آید و همه را به کام مرگ فرو می‌برد. بنابراین، اگر تیشه را از دست او گرفتند، همگان نجات می‌یابند؛ وگرنه همه می‌میرند. اگر مردم بگویند به ما ربطی ندارد، همه هلاک می‌شوند؛ اما اگر بگویند ما مسئولیم و این عزم ملی است و تیشه را از خرابکار بگیرند، در این صورت همگان به ساحل مقصد و مقصود می‌رسند.

از اینجا معلوم می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر، جنبه‌ای دارد که نمی‌گذارد سیاست‌بازان وارد صحنه شوند. اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، افراد شرور والی مردم می‌گردند؛ آنگاه ولایت فقیه عادل مطرح نخواهد بود، بلکه سرپرستی سفیه و فاسق پذیرفته می‌شود. در این‌حال، مردان برجسته دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود.

